تحلیل روانشناختی در رمان «*آدلف*» اثر بنژمن کنستان

دکتر مریم هوشیار[1]
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان
دکتر معصومه زندی[2]
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

چکیده

رمان *آدلف* اثر بنژمن کنستان در تاریخ ادبیات فرانسه از اهمیّت ویژه‌ای برخوردار است. این کتاب که ویژگی‌های دو مکتب بزرگ ادبی جهان یعنی کلاسیسیسم و رمانتیسم را در خود خلاصه می‌کند، نمونهٔ کامل و دقیق رمان روانشناختی است. در *آدلف*، کنستان با هنری بی‌نظیر و با دقّت و ظرافت بسیار، حقایق تلخ قلب بشر را به تصویر می‌کشد، حقایقی که در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته و دارند. او با تحلیل موشکافانهٔ احساسات و جنبه‌های روانشناختی قهرمانان، نقاط ضعف و قوّت آنان را به خواننده می‌نمایاند و به گونه‌ای غیر مستقیم او را پند می‌دهد. مقالهٔ حاضر که مقاله‌ای توصیفی- تحلیلی است به بررسی تجزیه و تحلیل روانشناختی در رمان *آدلف* می‌پردازد. تحلیل روانشناختی در این کتاب به سه روش مختلف انجام می‌پذیرد: استفاده از نقل قول غیر مستقیم، دیالوگ و مُنولوگ. بنژمن کنستان با به نمایش گذاشتن دیدگاهی متفاوت از عشق و از طریق تحلیل موشکافانهٔ افکار، احساسات و عواطفِ قهرمانانش نشان می‌دهد که انسان موجودی خودخواه، ضعیف، بی‌ثبات و از نظر احساسی بسیار تنوّع طلب است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل روانشناختی، آدلف، کنستان، احساسات

۱ - Houshiar_maryam@yahoo.com
۲- Minazandi@yahoo.com

تاریخ دریافت 91/5/2
تاریخ پذیرش 91/8/12

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

مقدمه

رمان روانشناختی که اولین بار در فرانسه توسط مادام دو لافایت (Madame de La Fayette) معرفی شد، موفقیّت زیادی به دنبال نداشت. پس از مادام دولافایت، ماریوُ (Marivaux) در آثاری بسیار درهم آمیخته نشان داد رمان‌هایی که در آن‌ها به تجزیه و تحلیل احساسات پیچیدهٔ بشر پرداخته می‌شود، بیشتر از رمان‌هایی که در آن‌ها نظریه پردازی می‌گردد توجه عموم مردم را به خود جلب می‌کنند و از محبوبیّت و جذابیّت بیشتری برخوردارند. باید خاطر نشان کنیم که بعد از ماریوُ – که آثاری کم اهمیّت با تحلیل‌های روانشناختی ضعیف ارائه داد- بنژمن کنستان (Benjamin Constant) اولین نویسنده‌ای است که یک ژانر ادبی جدید را پدید آورد. او با اصالت منحصر به فرد احساسات و نحوهٔ فهماندن آن‌ها به دیگران، یکی از عالی‌ترین جنبه‌های هنر را زنده کرد. پس می‌توان او را پس از مادام دولافایت، یکی از استادان رمان روانشناختی قلمداد کرد. نویسندگان و منتقدان بزرگی چون امیل فاگه (Emile Faguet)، پُل بورژه (Paul Bourget) و آناتُل فِرانس (Anatole France) نیز کتاب *آدُلف* (Adolphe) را یک شاهکار واقعیِ رمان روانشناختی می‌دانند.

این مقاله که مقاله‌ای توصیفی- تحلیلی است و با روش کتابخانه‌ای به سامان رسیده است، ویژگی‌های روانشناختی کتاب *آدلف* اثر بنژمن کنستان را با ذکر مثال‌هایی گویا از کتاب نشان می‌دهد. اما قبل از پرداختن به بحث اصلی، لازم دیدیم ابتدا نگاهی اجمالی به زندگی و اثر بنژمن کنستان بیاندازیم، سپس در بخش دیگری از مقاله، خلاصه‌ای از رمان و موضوعات مطرح شده در آن را ارائه دهیم و در آخر هم به تفصیل، ویژگی روانشناختی کتاب را - که موضوع اصلی این پژوهش است- مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

خلاصه‌ای از زندگی و اثر بنژمن کنستان

بنژمن کنستان در بیست و پنجم اکتبر سال 1767 در لوزانِ سوئیس به دنیا آمد. وی از همان دوران کودکی اشتیاق فراوانی به نوشتن داشت و با علاقهٔ بسیار، آثار نویسندگان قبل از خود را مطالعه می‌کرد. ارتباطاتش با مادام دو استل (Madame de Staël) و گروهی از متفکّران، تفکّرات سیاسی و فلسفی‌اش را بسط داد. وی سیاست‌مداری برجسته بود و در دوران حیاتش در سارت، پاریس و استراسبورگ نماینده بود. کنستان همواره با برده فروشی

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

مبارزه می‌کرد و از مدافعین آزادی، به خصوص آزادی مطبوعات بود. بنژمن کنستان مقالات زیادی در زمینهٔ سیاست و فلسفهٔ مذهبی منتشر کرد اما شهرت جهانی‌اش را مدیون تألیف رمان *آدلف* و چند اثر دیگر- که پس از مرگش منتشر شدند- است. وی در سال 1830 دیده از جهان فرو بست. معروف‌ترین آثار این نویسنده عبارتند از:

آدلف (سال تألیف 1806، سال انتشار 1816)

مذهب، منبع، اشکال و توسعهٔ آن (1825- 1824) مقاله‌ای که در آن افکار مذهبی و فلسفی‌اش را بیان می‌کند.

دفترِ قرمز (اثری که پس از مرگش در سال 1907 منتشر شد.)

سسیل (داستانی که در 1951 منتشر شد.)

دفاتر خاطرات خصوصی (1952)

بنژمن کنستان نویسنده‌ای خلّاق و نوآور است که توانست برای اولین بار در اثر به یادماندنی خود *آدلف* ویژگی‌های دو مکتب بزرگ ادبی جهان یعنی کلاسیسیسم و رمانتیسم را به طور همزمان انعکاس دهد. او در رمان‌نویسی تغییراتی ایجاد کرد که بعدها این تغییرات منشأ تحوّلاتی عظیم در نوع رمان گشت. کنستان تأثیری شگرف بر نویسندگان معاصر و پس از خود نهاد. تا قبل از انتشار *آدلف*، آثار ادبی تنها به جنبش یا مکتبی خاصّ محدود می‌شدند و نظریّه‌ها و گرایش‌های آن جنبش یا مکتب را انعکاس می‌دادند، اما پس از چاپ این کتاب، این گرایش در نویسندگان ایجاد شد که در آثارشان تلفیقی از مکاتب ادبی را انعکاس دهند.

آدلف

رمان *آدلف* اثر بنژمن کنستان که در سال 1806 نگاشته و در سال 1816 منتشر شد، داستانی عاشقانه با سرانجامی وحشتناک را حکایت می‌کند. این کتاب دارای دو ویژگی بسیار مهمّ است. این ویژگی‌ها که باعث شده‌اند این اثر با دیگر آثار ادبی جهان تفاوتِ اساسی داشته باشد، عبارتند از:

1. *آدلف* تنها کتابی است که دو مکتب بزرگ ادبی جهان، یعنی کلاسیسیسم و رمانتیسم را در خود خلاصه می‌کند. به عبارت دیگر در این رمان هم ویژگی‌های کلاسیک

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

وجود دارد هم خصوصیّات رمانتیک. طبق نظر بسیاری از منتقدین، *آدلف* آخرین شاهکار مکتب کلاسیک و جزء اولین آثار مکتب رمانتیسم است.

2. این رمان نمونهٔ کامل رمان روانشناختی است.

شخصیّت اصلی اثر که راوی داستان نیز می‌باشد، جوانی به نام آدلف است. بنژمن کنستان در این کتاب، با توصیف افکار، احساسات، ویژگی‌های رفتاری و بالاخره رابطهٔ عاشقانهٔ آدلف، در واقع زندگی خود را به تصویر کشیده است.

در آغاز داستان، آدلف جوانی بیست و دو ساله است. او به تازگی تحصیلات دانشگاهی‌اش را به پایان رسانده و از آن‌جا که بسیار باهوش است، بدون شک آینده‌ای درخشان در پیش خواهد داشت. این اشراف زادهٔ مغرور و خود شیفته تصمیم به برقراری یک رابطهٔ عاشقانه می‌گیرد؛ رابطه‌ای که بتواند از طریق آن نیاز قلبی و خودپسندی‌اش را ارضاء نماید. به اطراف خود می‌نگرد بلکه کسی را بیابد که لیاقت عشق او را داشته باشد. بالاخره با زنی به نام اِلِنور (Ellénore) که ده سال از خودش بزرگ‌تر است، آشنا می‌شود. آدلف تمام تلاشش را می‌کند تا اِلِنور را به خود علاقه‌مند سازد و چنان در عشق غرق می‌شود که دیگر توجّهی به عواقبش نمی‌کند. النور هم که به نوبهٔ خود عاشق آدلف می‌شود، به خاطر او خانواده، شهرت، ثروت و موقعیّتش را فدا می‌کند. اما خیلی زود رابطه‌شان به سردی می‌گراید؛ چون آدلف دیگر النور را دوست ندارد و تنها به سبب ترحّم و ترس از این که او متحمّل رنجِ جدایی شود، رابطهٔ سرد و اجباری‌اش را با النور ادامه می‌دهد. بالاخره تصمیم می‌گیرد ارتباطی را که تنها آزادی‌اش را از او سلب کرده، از هم بگسلد. النور نیز که با نامه‌ای با خبر می‌شود که آدلف هرگز او را دوست نداشته و همواره در پیِ قطع رابطه بوده است، از ناامیدی در برابر چشمان آدلف جان می‌سپارد. امّا قبل از مرگش نامه‌ای برای آدلف می‌نویسد تا او را از حقیقتِ عشق و این که چرا نمی‌تواند ترکش کند، مطّلع سازد.

آن‌چه که باعث شده است این کتاب تا این حد مورد توجه قرار گیرد، این است که نویسنده‌اش دیدگاهی بسیار متفاوت از عشق را ارائه داده است؛ دیدگاهی بسیار جالب که منشأ تغییرات عظیمی در آثار به یاد ماندنی قرن بیستم و دوران معاصر شد. صد سال قبل از این‌که مارسل پروست (Marcel Proust) از تنوّع طلبی انسان در مسائل احساسی سخن براند و از وجود «من‌های» متوالی در هر انسان خبر دهد، بنژمن کنستان از طریق

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

تجزیه و تحلیلِ احساسات قهرمان داستانش آدلف، اثبات کرد که انسان طبیعتاً در احساساتش بی ثبات است و در هر برهه‌ای از زمان «من» جدیدی از خود بروز می‌دهد.

نویسنده در این اثر از ضعف اخلاقی انسان‌ها و ناتوانی‌شان در داشتن احساسات پایدار، پرده برمی‌دارد.

«آدلف» پیش از این‌که یک رمان روان شناختی باشد، رساله‌ای است در باب «بشر»؛ رساله‌ای که در آن، کنستان، سنتزی از تجارب احساسی و شخصی خود را ارائه می‌دهد. همهٔ گفتگوها، همهٔ تفکّرات و تعمّقاتِ آدلف- در این رمان هیچ چیز جز گفتگو و تفکّر و تعمّق وجود ندارد- در این رمان اثبات می‌کنند که هر آن چه انسان می‌خواهد یا تصوّر می‌کند می‌خواهد، فکر می‌کند یا تصوّر می‌کند فکر می‌کند، تمایل به آن دارد یا تصوّر می‌کند به آن تمایل دارد، فردا آن را نخواهد خواست، به آن فکر نخواهد کرد و به آن تمایل نخواهد داشت.

خود تحلیلی شخصیّت‌ها

در این داستان تجزیه و تحلیل روانشناختی اغلب اوقات توسط خودِ شخصیّت‌ها، خصوصاً آدلف صورت می‌پذیرد. در اولین صفحات رمان، آدلف با تأکید بر تأثیر عمیق پدرش بر روی شخصیّتش خلق و خوی خود را تحلیل می‌نماید. پدر آدلف که مردی خجالتی است، وانمود می‌کند که انسانی سرد و خشک است. او همواره احساسات واقعی خود را پنهان می‌کند. همو مسؤول مرد گریزی و تنهایی آدلف است. آدلفی که کوچک ترین علاقه‌ای به بروز احساسات و عواطف خود ندارد. متن زیر در بر دارندهٔ تمام عناصر روانشناختی است که روند داستان را تغییر می‌دهد:

«ناراحتی و فشاری که در حضورش تحمّل می‌کردم، تأثیر بسزایی بر خلق و خویم گذاشت. من به اندازهٔ او خجالتی ولی پریشان‌تر از او بودم؛ چون جوان‌تر بودم. عادت کردم هر آن‌چه را در خود احساس می‌کردم، مخفی کنم. به تنهایی و در خلوت، برای آینده‌ام نقشه بکشم و برای عملی کردن این نقشه‌ها تنها بر روی خود حساب کنم. یاد گرفتم، عقاید، منافع، کمک و حتی حضور دیگران را نوعی مزاحمت تلقی کنم و آن‌ها را سدّی بر سر راه خود بدانم. عادت کردم هرگز از آن‌چه که فکرم را به خود مشغول می‌کرد، با دیگران صحبت نکنم و گفتگو با

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

آنان را نوعی ضرورت مزاحمت‌آمیز بدانم، ضرورتی که مجبور بودم گاهی اوقات به آن تن دهم. شوخی دائماً نمک صحبت‌هایم بود و آن را جذاب‌تر می‌نمود. همچنین وسیله‌ای بود که به من کمک می‌کرد تا افکار واقعی‌ام را پنهان نمایم. بدین خاطر، هرگز نمی‌توانستم با اعتماد و محبّت، اسرار درونی‌ام را فاش کنم و امروزه هم دوستانم مرا از آن بابت مورد سرزنش قرار می‌دهند» (کنستان، 1379: 22- 21).

بدبختیِ آدلف از آن‌جا ناشی می‌شود که به جای این‌که از طریق صحبت کردن با دیگران درد و رنج درونی اش را تسکین دهد، موشکافانه آن را تجزیه و تحلیل می‌کند. بین آدلف و رُنه[1] (René) یک تفاوت اساسی وجود دارد. رُنه بی هیچ دلیل دقیقی رنج می‌کشد و کلِّ دنیا را مسئول بدبختی‌هایش می‌داند، در حالی که آدلف که شخصیّتی کلاسیک و بی‌نهایت روشن‌بین است، منبع و منشأ درد و رنج را در خود می‌بیند و خود را متّهم می‌کند:

«وانگهی، من از خودخواهی احمقانهٔ انسانی که تصور می‌کند، با توضیح دادن می‌تواند عمل زشتش را توجیه کند، متنفرم. من از خودخواهی فردی که تنها به خود مشغول است و رنجی را که سبب گردیده است، حکایت می‌کند و با توصیف خود ادعا می‌کند از خویشتن شکوه می‌کند، به جای توبه، در ویرانه‌ها به رؤیا فرو می‌رود و خود را تجزیه و تحلیل می‌کند، بیزارم» (همان، 123- 122).

آدلف که شخصیّتی آگاه است برای درک درد و ناراحتی خود و برای رنج بردن از آن استعدادی وافر دارد. این استعداد او را به مبارزه یا تعریف و تمجید از درد و رنجش سوق نمی‌دهد بلکه تنها باعث می‌شود آن‌را بیمارگونه تحلیل کند. او در هر لحظه، زندگی خود را مورد کنکاش قرار می‌دهد و از این‌که می‌بیند عمر خود را به خمودگی و بی تحرکّی می‌گذراند، خود را به شدّت ملامت می‌کند.

این شخصیّت درون‌گرا حتّی یک لحظه هم از تجزیه و تحلیل احساسات درونی خویش دست برنمی‌دارد. او پس از این‌که در فصل یکِ رمان به توصیف خلق و خوی خود می‌پردازد، تعریف می‌کند که چگونه کسالت و خصوصاً خودخواهی، او را به طرف اِلنور سوق می‌دهد. آدلف از ملاقاتش با این زن و کنت دو پ*** (Compte de P***) با ما سخن می‌گوید. او راجع به اِلنور این‌گونه می‌گوید:

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

«اِلنور دارای هوشی معمولی بود، اما افکار و عقایدش صائب بود و سخنان همیشه ساده‌اش، گاهی اوقات، به واسطهٔ اصالت و تعالی احساساتش گیرا و متأثرکننده می‌شد. بسیار پیش داوری می‌نمود، اما همهٔ پیش داوری‌هایش برخلاف منافعش بودند. بیشترین اهمیّت را به رعایت آداب و اصول رفتاری می‌داد، دقیقاً به خاطر این‌که رفتار خودش با توجّه به تصوّرات ذهنی، درست و معمولی نبود. بسیار مذهبی بود، زیرا مذهب، به شدّت نوع زندگی‌اش را محکوم می‌کرد» (همان، 31).

بعدها آدلف تمام تلاشش را می‌کند تا توجّه اِلنور را به خود جلب نماید. او تنها یک هدف را دنبال می‌کند؛ این‌که خوشایند این زن قرار گیرد. او در بخشی از کتاب این‌گونه اعتراف می‌کند:

«این اندیشه که خوشایندش قرار گیرم ویژگی جدید و جالبی به زندگی‌ام می‌داد و به طرز غیرمعمولی به آن شور و هیجان می‌بخشید . . . خود را مجبور می‌دیدم تا سریع ترین حدّ ممکن به طرف هدفی که در نظر داشتم، به پیش بروم، پس خود را بدون قید و شرط به دست احساسات نمی‌سپردم. با بی‌صبری حرف می‌زدم، زیرا به نظرم برای موفقیّت بایستی حرف می‌زدم . . . او بی‌وقفه فکرم را به خود مشغول می‌کرد. هزاران نقشه می‌کشیدم. برای دستیابی به النور، با نوعی خودپسندیِ احمقانه و بی‌تجربهٔ شخصی که از موفقیّت خود مطمئن است، زیرا هیچ چیز را آزمایش نکرده است، هزاران راه به فکرم می‌رسید» (همان، 34- 33).

با وجود این، آن‌چه که مایهٔ تعجّب است این است که قهرمان پس از به دست آوردن النور به چیزی جز عواقب بد و جنبه‌های منفی عشقش نمی‌اندیشد. او که برای به وجود آوردن این عشق تلاش بسیار زیادی کرده بود، اکنون تمام سعی‌اش این است که آن را نابود و خود را از شرّش خلاص سازد. در این هنگام با یک روشن‌بینی افراطی و خشک و سرد، احساساتش را نسبت به النور تجزیه و تحلیل می‌کند. افراط در این تحلیل‌ها ذهنش را خسته و منبع و منشأ هر گونه شادی را در روح و جانش می‌خشکاند.

غالب‌ترین و بارزترین خصوصیّت آدلف، روشن‌بینی اوست. امیل فاگه معتقد است این روشن‌بینی سنگ بنای رمان است. او در این باره می‌گوید: «این تواناییِ وحشتناک که انسان

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

بتواند درون دل خود را ببیند و موشکافانه آن‌را واکاوی کند و قادر باشد به خاطر این‌که همه چیز را می‌بیند، همه چیز را خلاصه کند، توانایی منحصر به فردی است که باعث خلق این اثر شده است» (Faguet, ۱۸۹۱: ۱۹۷).

این روشن‌بینی سرد و مصون از خطا، این شناسایی دقیق احساسات خود به آدلف اجازه می‌دهد خود را بشناسد، در مورد خود قضاوت کند، به اشتباهاتش اعتراف نماید، افکار خود را بیان کند و موشکافانه خویشتن را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

ویژگی دیگر رفتاریِ آدلف دوراندیشی و آینده نگریِ اوست. او هم همچون کورینِ (Corinne) مادام دو استال از هم اکنون پیش بینی می‌کند که رابطه‌اش محکوم به شکست است. در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

«بدا به حال مردی که در اولین لحظات یک ارتباط عاطفی، فکر نکند که این رابطه باید جاودان باشد! بدا به حال مردی که در آغوش معشوقش از قبل این احساس شوم را داشته باشد یا پیش بینی کند که روزی می‌تواند از او جدا شود» (کنستان، 1379: 49).

آدلف پیشاپیش می‌داند که عشق‌شان دیری نمی‌پاید:

> «تلاش‌هایی بی فایده! سختی موقعیّت، اطمینان از آینده‌ای که ما را از هم جدا می‌کرد، نمی‌دانم شاید کدامین شورش علیه رابطه‌ای که گسستن آن برایم غیر ممکن بود، مرا از درون پاره پاره می‌کرد» (همان، 64).

آدلف در تفکّرات و تعمّقات طولانی و در منولوگ‌هایش[2] که در خلال آن‌ها با بی‌رحمیِ تمام قلبش را ریزبینانه می‌کاود، در تشخیص تمام دلایل رنج کشیدن و جزء به جزءِ دردش مهارتی بی‌نظیر دارد. خطوط زیر مؤیّد این نکته‌اند:

> «از بیکاری‌ام رنج می‌کشیدم، همان‌طور که انسان‌های خسیس در گنج‌هایی که انباشته می‌کنند، تمام املاک و اشیائی را که این گنج‌ها می‌توانند بخرند مجسم می‌کنند، من در النور محرومیّت از تمام موفقیّت‌هایی را که می‌توانستم داشته باشم، مشاهده می‌کردم. افسوس شغل خاصّی را نمی‌خوردم. چون هیچ یک را امتحان نکرده بودم، تأسف همهٔ آن‌ها را می‌خوردم. چون هرگز از توانایی‌هایم استفاده نکرده بودم، آن‌ها را بی حدّ و حصر تصور می‌کردم و از آن‌ها نفرت داشتم» (همان، 85- 84).

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

بر اساس نظر مارسل آرلان (Marcel Arland)، «آدلف» تـراژدی روشـن‌بینـی اسـت. «روشن‌بینی دو نفر: قهرمان داستان و خودِ نویسنده. این دو که در کتاب عمیقاً به هم پیوند خورده‌اند، دست به دست هـم مـی‌دهنـد تـا مفهـوم کامـل و تمـام عیـاری بـه اثـر دهنـد» (Arland, ۱۹۵۷: ۹-۱۰).

پیش از این هم شخصیّت‌هـای بـزرگ راسـین و زوج نفـرین شـدهٔ کتـاب روابـط در اوج خطاهایشان از چنان روشن‌بینی و تیزبینی برخوردار بودند که می‌توانستند سرنوشت‌شـان را پیش‌بینی، در رقم زدنش تعجیل و وضعیت خود را وخیم و وخیم‌تر نمایند.

روشن بینی آدلف از ضعفش جدا نیست. همین ضعف است که او را از پـای در مـی‌آورد. هم آن است که باعث می‌شود دیگران را متّهم نماید و آن‌ها را مسـئول اعمـال خـود بدانـد. روشن بینی آدلف هرگز او را وادار به عمل نمی‌کند. برعکس، سـبب مـی‌شـود بـه موجـودی منفعل تبدیل گردد و در نهایت تنها به ناراحتی و نارضایتی‌اش منتهی می‌شود. روشن بینـیِ او تقریباً یک بیماری است. آدلف در هر موقعیّتی که قرار گیرد هم شاهد اعمال خـود اسـت هم داور آن‌ها. او وقایع را آن‌گونه که خود می‌خواهد تعبیر می‌نماید و به آن‌ها نامی رمزآلـود می‌دهد. تمایلش به واکاویِ درون خود آن چنان قوی است که حتـی در خلوتگـاه محبـوبش نیز دست از تحلیل احساساتش بـر نمـی‌دارد. لحظـه‌ای تسـلیم شـور و هیجانـات قلبـی یـا احساسی‌اش می‌شود، لحظه‌ای دیگر گویا فقط به یک خیال واهی اندیشیده یـا خطـایی از او سر زده است، آماده می‌شود خود را تنبیه کند یا از خود انتقام بگیرد. این جملهٔ معروف «که می‌تواند جاذبهٔ عشق را برایتان به تصویر بکشد»، چیزی نیست مگر تحلیـل موشـکافانهٔ یـک خیال واهی، تحلیلی ریزبینانه و نافذ از یک حالت روحی:

> «که می‌تواند جاذبهٔ عشق را برایتان به تصویر بکشد . . . این روز ناگهانی که بـر زندگی پرتو افکنده و به نظر گویی رمز و راز آن را نشـان مـی‌دهـد، ایـن ارزش ناشناخته که به کوچک‌ترین شرایط وابسته است، این سـاعاتی کـه بـه سـرعت سپری می‌شوند و تمام جزئیات‌شان به خاطر شیرینی و لطفی که دارند از ذهن می‌گریزد و در روح‌مان اثری طولانی از خوشبختی به جای می‌گذارد، این شادی طرب انگیز که گاهی‌اوقات، بی‌دلیل به تأثّر و رقّت همیشگی می‌آمیزد، این برتری بر هر آن‌چه که ما را احاطه می‌کند، این اطمینان که بعدها مردم نمی‌توانند در

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

جایی که زندگی می‌کنیم به ما دسترسی پیدا کنند . . . آه! هر کس جاذبهٔ عشق را احساس کند قادر به توصیف آن نیست» (کنستان، 1379، 50).

کنستان به جای ترانهٔ عاشقانه‌ای که به نظر می‌رسد با این جملات به ما قول می‌دهد، تعریفی دقیق از تأثیرات جاودانهٔ قوی‌ترین توّهم ارائه می‌دهد، توّهمی که از همهٔ خیّالات واهی، بیشتر ما را مجذوب و مسحور می‌کند.

آن‌چه که در رفتار آدلف شگفت‌انگیز است، این است که تیزبینی و روشن‌بینی‌اش هرگز وضعیّتش را بهبود نمی‌بخشد؛ برعکس، تنها باعث می‌شود بی‌ارادگی و شک و دو دلی‌هایش تشدید گردد. آدلف جوانب مثبت و منفیِ تصمیمی را که بالاخره از گرفتن آن چشم‌پوشی می‌کند، به خوبی درک می‌نماید. شاید این روشن بینی که بدون شک همیشه هم از آن رنج می‌برد، چیزی جز نتیجهٔ خودخواهی‌اش نیست. او افکارش را بیان می‌کند، احساساتش را تجزیه و تحلیل می‌کند، امّا هرگز خود را اصلاح نمی‌نماید. هوشش جهتی منحصر به فرد دارد: این هوش او را به خود می‌آورد، منزوی‌اش می‌گرداند و نوعی شادی تلخ برایش به ارمغان می‌آورد. شادی تلخ و غیر قابل جایگزینِ خود را یافتن و خود را متفاوت حس کردن.

آدلف تنها شخصیّتِ روشن‌بین رمان نیست. در این اثر تجزیه و تحلیل روان‌شناختی توسط شخصیّت‌های دیگر کتاب نیز صورت می‌پذیرد. پدر آدلف و بارون دو ت(Baron de T) هم که هر دو شخصیّت‌هایی تیزبین‌اند، آدلف را از عواقب تصمیمش آگاه و او را به قطع رابطه با معشوقه‌اش تشویق می‌کنند. بارون دو ت با دقّت آیندهٔ آدلف را – اگر به زندگی با النور ادامه دهد- به تصویر می‌کشد:

«او ده سال از شما بزرگ‌تر است . . . هر روز برایتان کم لطف‌تر خواهد شد . . . و وجود شما هر روز برایش لازم‌تر خواهد بود» (همان، 83).

پدرش هم با یادآوری ویژگی‌های منحصر به فرد پسرش او را به قطع رابطه با النور سوق می‌دهد. او آدلف را این‌گونه از زندگی و همراهی با النور منع می‌کند:

«اصل و نسب‌تان، استعدادهای‌تان، ثروت‌تان، جایگاهی به غیر از هم‌نشینی با زنی بدون مکان و ولگرد برای شما اختصاص می‌دهند» (همان، 71).

نویسنده برای انجام تحلیل‌های روان شناختی‌اش از روش‌هایی چون پنهان‌کاری و تجزیه و تحلیل اتّفاقات گذشته یاری می‌جوید. آدلف بی‌وقفه زندگی گذشته‌اش را به یاد می‌آورد:

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

«برای خود نام چند تن از همکلاسی‌هایم را که با تحقیری بسیار با آن‌ها رفتار کرده بودم، تکرار می‌کردم. همکلاسی‌هایی که فقط در اثر کاری مداوم و یک زندگی منظم، در جادّهٔ ثروت، اهمیّت و شهرت از من پیشی گرفته بودند» (همان، 84).

بدین‌گونه قهرمان کتاب هر بار مسیر تکراریِ تحلیل را که عبارتند از هیجان، روشن بینی و داوری، طی می‌کند.

به علاوه آن‌چه که یک ویژگی کلاسیک به این تحلیل‌ها می‌دهد، درستی آن‌هاست. می‌توان گفت که تفکّرات و تعمّقات هر سه شخصیّت – آدلف، پدرش و بارون دوت- تقریباً همیشه درست است. آن‌چه که آدلف در قلب خود یا نزدیکانش احساس می‌کند، معمولاً واقعی است. افعالی که کنستان برای صحبت از این تفکّرات به کار می‌برد، بسیار واضح‌اند: افعالی نظیر دیدن، یافتن، متوجّه شدن، مشاهده کردن، شناختن و غیره در سراسر رمان به چشم می‌خورند. در این‌جا تنها به ذکر دو نمونه اکتفا می‌کنیم:

«گمشده در بین جمعیّتی که النور را احاطه می‌کرد، ناگاه متوجّه شدم در معرض سرزنش دیگران قرار دارم» (همان، 95).

«به محض این‌که بر روی چهره‌اش احساسی از رنج و اندوه می‌دیدم، در مقابل خواسته‌هایش تسلیم می‌شدم» (همان، 52).

وانگهی خودِ نویسنده نیز بر روی بعضی از تحلیل‌ها تأکید بیشتری می‌کند. متن زیر نشان می‌دهد آدلف در مورد عشوه‌گری النور فریب نمی‌خورد:

«بعدها خودش به من گفت و حوادث اثبات کردند که این کارها را از روی نقشه‌ای غلط و اسف انگیز انجام می‌داده است. او فکر می‌کرد با تحریک حسادتم می‌تواند عشق را به قلبم برگرداند. اما این کار همانند تکان دادن خاکسترهایی بود که هیچ‌چیز نمی‌توانست دوباره گرم‌شان کند.» (همان 97- 96).

آدلف تجزیه و تحلیل‌های روان‌شناختی‌اش را با سه روش مختلف انجام می‌دهد: نقل قول غیر مستقیم، دیالوگ و منولوگ. شمار تحلیل‌هایی که در قالب نقل قول غیر مستقیم صورت پذیرفته‌اند، بسیار زیاد است. این تحلیل‌ها که عموماً کوتاه‌اند، در سراسر کتاب یافت می‌شوند:

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

«اغلب از خود می‌پرسیدم چرا باید در وضعیّتی این چنین دردناک باشم؟ به خود جواب می‌دادم اگر از النور جدا شوم به دنبالم خواهد آمد و با این کار باعث یک فداکاریِ تازه می‌شوم. بالاخره به خود گفتم باید برای آخرین بار خشنودش کنم. هنگامی که او را در بین خانواده‌اش جای دهم دیگر نمی‌تواند انتظار چیزی را از من داشته باشد» (همان، 78).

دیالوگ نیز سهم عمده‌ای در این تحلیل‌ها دارد:

«به او گفتم: شش ماه دیگر می‌مانم.

- این خبر را به سردی به من اعلام می‌کنید.

- اقرار می‌کنم که از نتایج این تأخیر برای هر دو نفرمان، بسیار می‌ترسم.

- به نظرم، حدّاقل برای شما، این نتایج خیلی ناگوار نیستند.

- النور، خوب می‌دانید من بیشتر به فکر شما هستم تا خودم. اصلاً به خوشبختی دیگران هم نمی‌اندیشم.» (همان، 56).

بالاخره منولوگ که صادقانه‌تر از دو شکل قبل (دیالوگ و نقل قول غیر مستقیم) احساساتِ شخصیّت‌های رمان را نشان می‌دهد، سومین شکلی است که کنستان برای واکاوی احساسات و عواطف قهرمانان داستان از آن استفاده می‌کند.

این منولوگ‌ها شامل جملات پرسشی و تعجّبی بی‌شماری هستند که همگی آشفتگی‌های درونی قهرمانان را نشان می‌دهند:

«من چه کاری را برای النور نکردم؟ به خاطر او کشور و خانواده‌ام را ترک کردم. به خاطرش قلب پدر پیری را که هنوز از دوری من آه و ناله می‌کند، به درد آورده‌ام، به خاطرش در این مکان‌هایی زندگی می‌کنم که جوانی‌ام در تنهایی، گمنامی، بدون عزّت و افتخار و بدون لذّت می‌گذرد» (همان، 86).

می‌بینیم که منولوگ، فریادها و فغان‌های قهرمان را به طور دقیق و واضح به ما نشان می‌دهد. آدلف در منولوگ‌هایش، پس از سر دادن ناله‌ها و شکوه‌های منقطع، به نوعی آرامش یا حدّاقل به درک واضح موقعیّتی که در آن قرار دارد، می‌رسد.

به طور خلاصه، منولوگ شکلی است که در این اثر برای افشا نمودن دقیق و کامل احساسات قهرمان به کار می‌رود. در این شکل از احتیاط‌ها و ملاحظه‌کاری‌های معمول در نقل قول غیر مستقیم خبری نیست و قهرمان خود را مستقیماً به خوانندگانش می‌نمایاند.

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

آن‌چه در این اثر یک ویژگی کاملاً کلاسیک به تجزیه و تحلیل‌های روانشناختی می‌دهد، ظرافت، دقّت و به خصوص حقیقی بودن این تحلیل‌هاست. با مطالعهٔ «آدلف» پی می‌بریم که روانشناسی کنستان از دقّتی کم‌نظیر برخوردار است.

قهرمانان داستان، تمایلات و گرایش‌هایی را که می‌تواند از آنِ تک تک انسان‌ها باشد، به حدّ افراط نشان می‌دهند.

هر گونه قلم‌پردازی این خطر را دارد که از قهرمان یک غول بسازد، اما کنستان توانسته است او را با چنان ظرافت و اطمینانی به تصویر بکشد که هر کس می‌تواند خود را به او شبیه سازد. ما یک یک واکنش‌های آدلف را درک می‌کنیم، شریک درد و رنج‌هایش می‌شویم و جذب واقعیتِ زنده‌اش می‌گردیم.

می‌بینیم که «کنستان به شیوه‌ای اعجاب انگیز حقایق اخلاقی جهانی را به تصویر می‌کشد و تمام خلقیات در کتابش با دستی استادانه توصیف گشته‌اند» (Bornecque, ۱۹۶۸: ۲۹۴).

کوچک‌ترین ویژگی‌های رفتاری آدلف سرشار از حقیقتی وصف ناپذیرند؛ به گونه‌ای که تصوّر می‌کنیم که شخصیّت را دیده‌ایم، او را دوست نداریم، برای او ارزشی قائل نمی‌شویم، به هیچ وجه از او خوشمان نمی‌آید. اما چون ضعف‌ها و خطاهایش، ضعف‌ها و خطاهای خودِ ماست، برایمان جذاب است.

موریس بلانشو (Maurice Blanchot) در این‌باره می‌نویسد:

«طبق نظر دُلو کلوز (Delecluze) و مارتینو (Martineau)، استاندال (Stendhal) از یک طرف از ویژگی اغراق‌آمیز کتاب انتقاد کرده و از طرفی دیگر حقیقت والایِ احساسات آن را دوست داشته است. او بر این باور بوده آن‌چه که کتاب باید بیان می‌کرده، به خوبی بیان کرده است. اما موضوع عبارت است از نوعی چرب‌زبانیِ غم‌انگیز، اغراق و حقیقت و تراژدی و بازی» (Blanchot, ۱۹۴۹: ۲۲۲).

منتقدان از حقایق نهفته در کتاب بسیار سخن گفته‌اند. امیل فاگه در کتاب *سیاستمداران و اخلاق‌گرایان قرن نوزدهم* اظهار می‌دارد:

«مطمئناً «آدلف» کابوس زیبایی است، آن‌چه به این کتاب ویژگی غم انگیز و اندوهبار می‌دهد، این است که آن را واقعی احساس می‌کنیم. واقعی‌تر از آن‌چه که ما را احاطه می‌کند، حقیقتی غیر قابل بحث و غیر قابل احتزار؛ به طوری‌که هر خط از کتاب به طور

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

قطع، خلاصهٔ اتفاقات دردناک و قابل ترحّم گذشته و تـراژدی‌هـای رمزآلـود خصوصـی بـوده است» (Faguet, ۱۸۹۱: ۱۹۷).

صفحه‌ای از این رمان را نمی‌توان یافت که در آن «وجدان» مورد محکّ و آزمـایش قـرار نگرفته باشد.

«هر یک از تفکّراتی که در این اعترافات وحشتناک به تحریر در آمده‌اند، آن‌قـدر واضـح، آن‌قدر صادق و آن‌قدر با ظرافت تجزیه و تحلیل گشته‌اند که هر یک از ما تلاش می‌کنـد در زیر چهرهٔ قهرمان داستان، چهرهٔ خود یا بستگان خود را ببیند» (Planche, ۱۸۵۳: ۶۲).

در این داستان حتّی تنها یک ویژگی هم اتفاقی توصیف نشده است: تمام حرکات و تمام رفتارهای دو قهرمان اصلی با جدیّتی باور نکردنی و غیر قابل انعطاف و بـا پیچیـدگیِ بسـیار بررسی شده‌اند.

نتیجه:

در این مقاله به مطالعه و بررسی ویژگی روان‌شناختی رمان «آدلـف» پـرداختیم و نشـان دادیم تجزیه و تحلیل روان‌شناختی قهرمانانِ داستان از نقطه نظر وضـوح، دقّـت، درسـتی و حقیقـی بـودن، کلاسـیک اسـت. در «آدلـف» قهرمـان داسـتان تجزیـه و تحلیـل‌هـای روانشناختی‌اش را به سه روش مختلف انجـام مـی‌دهـد. نقـل قـول غیرمسـتقیم، دیـالوگ و منولوگ. تحلیل‌های روان‌شناختی که با استفاده از نقل قول غیرمستقیم انجام پذیرفتـه‌انـد، بسیار زیادند، اما عموماً کوتاه‌اند.

بنژمن کنستان برای نشان دادن افکار، عواطف و احساسات شخصیّت‌هـایش از دیـالوگ هم استفاده می‌کند ولی شکلی که صادقانه‌تر از دو شکلِ قبل احساسات درونـی قهرمانـان را به ما می‌نمایاند، منولوگ است. منولوگ به نوعی، عمیق‌ترین هیجانات و واقعـی‌تـرین افکـار قهرمانان را برای خواننده افشا می‌کند.

تحلیل‌های به‌دست آمده از این پژوهش نشان داد که روان‌شناسی کنسـتان از ظرافـت و دقّتی استثنایی برخوردار است. نویسنده با به تصویر کشیدن ویژگی‌های رفتـاری یـک فـرد، حقایق اخلاقی همهٔ انسان‌ها را به تصویر می‌کشد. روشن‌بینی، ویژگی منحصر به فرد قهرمان اصلی داستان است. همان‌گونه که گفته شد این خصوصیّت ریشهٔ هر گونه شـور و هیجـان را در قهرمان اصلی می‌خشکاند. امّا آدلف تنها شخصیّت روشن‌بـین اثـر نیسـت. در ایـن رمـان

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

تجزیه و تحلیل روان‌شناختی توسط پدر آدلف و بارون دو ت*** هم صورت می‌پذیرد. این دو در آگاه ساختن آدلف و در نهایت، جدا کردن او از النور نقش اساسی در رمان دارند.

با بررسیِ تحلیل‌های روان‌شناختی نویسنده در این اثر، نتیجه می‌گیریم که کنستان در «آدلف» تصویری بسیار بدبینانه از عشق ارائه داده است. او با مطالعهٔ دقیق افکار و احساسات درونیِ شخصیّت‌هایش خطر استفاده از زبان عشق و ایجاد هیجانات قلبی زودگذر در خود و دیگران را نشان داده و با به تصویر کشیدن بدبختی‌های قهرمانان، خطر روابط منافیِ اخلاق را برای خوانندگانش ملموس‌تر می‌گرداند.

«آدلف» تنها تراژدی یک احساس و یک کاراکتر نیست، بلکه درامی است مخصوص وضعیّت بشر. نویسنده با تحلیل روان‌شناختیِ رفتار قهرمانش، آدلف، به ما می‌فهماند که در خلق و خوی انسان وحدت و انسجام وجود ندارد. او با توصیف افکار، احساسات و عواطف آدلف، حقایق تلخ قلب بشر را با زبانی ساده و شفّاف به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که انسان موجودی خودخواه، ضعیف، بی‌ثبات و از نظر احساسی بسیار تنوّع طلب است.

پی نوشت:

1- قهرمان رمان «رُنه» اثر رُنه دوشاتوبریان

2- قطعه‌ای در آثار ادبی یا نمایشی که در آن، شخصیّتی اندیشه‌های خود را هنگام تنهایی یا ناآگاهی از حضور دیگران، مرور یا بیان می‌کند.

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

کتاب نامه:

- کنستان، بنژمن. 1968. ***آدلف***، ترجمهٔ معصومه زندی. چاپ اول. همدان: مفتون همدانی.
- Arland, Marcel. ۱۹۵۷. ***Préface à Adolphe de Benjamin Constant***.Paris: Librairie générale française.
- Blanchot, Maurice. ۱۹۴۹. ***La Part du feu***. «Adolphe ou le Malheur des sentiments», Paris: Gallimard.
- Bornecque,J. H. ۱۹۶۸. ***Jugements des contemporains sur Adolphe***. Paris: La Gazette de France.
- Constant, Benjamin. ۱۹۶۸. ***Adolphe***. (Préface de J. H. Bornecque) Paris: Garnier.
- Constant, Benjamin. ۱۹۸۹. ***Adolphe***. (Préface de Daniel Leuwers et champs de lectures de Chantal Grosse). Paris: Flammarion.
- Demougin, J.۱۹۸۶. ***Dictionnaire historique, thématique et technique des Littératures***. Paris: Larousse.
- Faguet, Emile. ۱۸۹۱. ***Benjamin Constant in «Politiques et moralistes du dixneuvième siècle***». Paris: Lecène, Oudin et Cie.
- Laffont- Bompiani. ۱۹۶۰. ***Dictionnaire des personnages***. Paris: Société d'édition de dictionnaires et encyclopédies.
- Le Breton, André. ۱۹۰۱. «***Adolphe***». Chapitre X in Le roman français au XIXe Siècle, Première partie; Avant Balzac. Paris: Société française d'imprimerie et de librairie / ancienne Librairie Lecène, Oudin et Cie.
- Planche, Gustave. ۱۸۵۳. «***Benjamin Constant: Adolphe in Portraits littéraires***». Paris: Charpentier.
- Roy, Claude. ۱۹۵۳. ***Benjamin Constant in «Descriptions Critiques, Le commerce des classiques***». Paris: Gallimard.

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

Psychological analysis in «Adolphe», Benjamin Constant's Work

Maryam Houshiar, Ph.D
Department of French, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran
Massoumeh Zandi, Ph.D
Department of French, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Abstract

«Adolphe», Benjamin Constant's novel, is highly respected in literary history of France. This book that summarizes the features of two great literary schools, namely, Classicism and Romanticism, is a perfect manifestation of Psychological novel. In «Adolphe», Benjamin Constant describes the bitter truths residing in human heart with a unique art and great exactitude and fineness. These truths have existed in all the times and places. With a thoroughgoing analysis of sentiments and psychological aspects of his heros, he reveals to the readers their weakness and strengths, and advises them indirectly. The present article, that is a descriptive- analytic one, deals with psychological analysis in «Adolphe». This is done in three various ways: through indirect speeches, dialogues and monologues. By demonstrating a different conception of love and by psychological analysis of thoughts, sentiments, and affections of his heros, Constant tries to tell that man is egoist, weak, unstable and very tempestuous.

Keywords:
Psychological analysis, Adolphe, Constant, Sentiments

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

Interpretation of Ghodsi Hadith from Mystics' Points of View

Amir Hossein Hemati, Ph.D

Persian Language and Literature Department, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

Abstract

One of the dominant characteristics of mysticism and Islamic sufism is to seek a great enjoyment from Sufi's ritual (the behavior of the authorities) from the juice and the core of the Quranic verses, and to make a comparison between all the common believes going around it with heavenly prophetic traditions. One of the other factors to deal with Islamic mysticism is too much consideration from those who seek the right way toward conscience and essence and try to create special value for interpretation and gloss. Instead , those who are in search of right virtue seemingly surrounded their our attempt to appearance of Quran verses , interpretation and justification of them . Seekers of the right traditions and customs not only have presented some unique interpretations from the Quran Hadiths (traditions) and Prophetic traditions and sacred based on their own beliefs and ideas, but documented their own doctrine knowledge in this regard. One of the doctrine knowledge which they delivered and searched for while dealing with discussion and presentation about Supreme Leader , is the hidden appearance of authorities from the strangers. Seekers and followers of traditions and customs have based the origin of such a belief on the heavenly saying "Interpretation of Hadith from Mysticisms points of view. This tradition has become the fundamental origin for various interpretations and commendations for those who are seeking for truth and virtue. Sufis have not only brought heir interpretations about the reasons of hideous appearance and what "hides" are which keep the authorities away from strangers 'sight but also narrated different sayings about them. There has made an attempt in the following article to go around and uncover the authoritarians' words and justifications related to the given issue and to point out their interpretations from the mentioned tradition.

Key words: mysticism , sufi, supreme leader, interpretation and recommendation , authoritarians

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

The Domination of Mystical Atmosphere on the Status of "Leili" in Persian Literature

Mohammad Hasan Haeri, Ph.D
Persian Language and Literature Department, Allammeh Tabatabaie University, Tehran, Iran
Elham Rostaie Rad, MA
Persian Language and Literature Department, Allammeh Tabatabaie University, Tehran, Iran

Abstract

Compared with other lyrical epopee, the “Leili and Majnoon “ story is considered as one of the most essential source scited by Sufi mystics and scientists so that this tragedy and its characters have never been forgotten over time. On the contrary after composing the Leili and Majnoon by Nizami, their presence has left a deep trace in poetry and literature. According to the theory of mystics, virtual lover can be a bridge to reachthe divine love. The present article is an effort to survey the "Leili" status in literature especially the mystical literature and also to review main aspects of her. This study examines the Conformity of this character based on Nizami narrative with emphasis on its important role in the area of mysticism .Finallythis study indicates that Leili is a historical mistress with specific attributes. Sometimes she is manifested as and sometimes as a manifestation of the eternal.

Keywords: Leili , Majnoon ,mysticism ,virtual love, real love.

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

Awakening in Religious Teachings and Persian Poems

Zabih Motaharikhah, Ph.D
Theology Department, Tuyserkan Branch, Islamic Azad University, Tuyserkan, Iran

Abstract
Yaqze, Which has been interpreted as “awakening” from negligence, is consideved as the first quarter and the basis of Gnostic conduct. Hence, thinking about Quranic teachings, Mowlana’s and Hafiz’s narrations and poems, We find That one of the purposes of religious law and religious way which is based on it is awakening human being and releasing him from frail and burning the light of guidance in his heart.

Key words: conduct, Gnostic quarters, Yeqze (awakening), the levels of Yeqze.

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

A comparative study of the Little Prince and Islamic Mysticism

Masoud Motamedi
Persian Language and Literature Department, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Abstract

In this article I have compared *The Little Prince* written by Saint Exupery with Islamic mysticism. At first glance it may be seemed that they are not compatible, but after a deep reflection about both of them and a comparison between their details, the results are wonderful. In the writer's opinion the similarities between the two subjects of discussion are rooted in coincidence of ideas and in Exupery's truth-seeking nature and not necessarily in his acquaintance with the Islamic mysticism. A lot of instances of these mystical concepts such as divinely inspired knowledge, submission to divinely will, satisfaction, contentment, insight, asceticism, spiritual guide, bewilderment etc. can be discerned in an aparently childlike story.

That the storyteller chooses children's language is due to their heart purity or the meeting of the pilot with the prince is a reminder of the sufi's unexpected meetings. The pilot's presence in a desert is a symbol of bewilderment and the prince's help to the pilot is like the rescue coming from the spiritual guide (*pirs* or *Khizr*). The prince's vague and allegorical speech is like the *pirs'* ambiguous speeches and their secret keeping. Those who have limited themselves in their little stars are symbols of the worldly-minded people.The little prince's asking snake to sting him is a reminder of volutary death and his return to the star from which he has come is a symbol of man's final return to his origin.

Key words: Comparative Literature, Islamic Mysticism, The Little Prince.

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

Resurrection and Tan-e-pasin in Zoroastrians

Maryam Shahbazi
Graduated student of Ancient Languages and Culture Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan,Iran
Viad Nadaf, Ph.D
Department of Ancient Languages and Culture, Hamedan Branch,Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Abstract
Belief in Resurrection is one of the origins of Old Iranian ideologies and Zoroastrians. In this article we discussed Resurrection and Tan-e-Pasin in Zoroastrianism by using Ardavirafnameh and Katibeh kartir to achieve the importance of Restāxez. Every person in this world, as a reflection of their actions, will be rewarded or punished in the next world.

On the Day of Resurrection, Sinners and the Righteous will be separated from each other according to their actions and deeds, then will be rewarded or punished. Sinners will go to the heaven and righteous ones will go to the paradise. Zoroastrians believe that hell is not eternal and the wicked will go to the paradise after punishment and will continue to their life.

Key words: tan-e-pasin, Restāxez, ruwan, ahu, fravaši

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

Poststructuralism: A New Approach in Literary Theory and Criticism

Abbas Goudarzi

English Department, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Abstract

The emergence of relativism and pluralism in the philosophies, different aspects of humanities and the worldviews dominant in the ۲۰th century western societies from one side, and the growth of toleration in human relations from the other, have invariably affected literary theories and studies, and given them an ever greater democratic and receptive nature. This has made them, like many other conditions of human thought, more and more interdisciplinary and prolific.The success of this event has inevitably led to the development and the variety of new and innovative approaches in reading and analyzing different texts, including literature. Among such novel critical stances is *poststructuralism* which appeared in late ۱۹۶۰s, following the spread of new theories by such great contemporary thinkers as Jacques Derrida, Roland Barthes, Jacques Lacan, and Michel Foucault. This approach has also most tangibly manifested in the mentioned tendencies in different fields of thought. Such tendencies at the same time have made it more difficult, or even sometimes impossible to define and explain. An attempt has been made, in the present paper, to introduce poststructuralism as a recent approach in literary theory and criticism. Besides, attempting some definitions, and accounting the background of its birth, we have also point to the basic theories of men of thought important in its formation. Finally, we would emphasize its significance for reading, analyzing and deconstructing literary texts.

KeyWords: structuralism, poststructuralism, signified, signifier, discourse, deconstruction

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

Saif Farghany and Social Criticism

Ghadamali sarrami,Ph.D
Department of Persian Language and Literature, Zanjan branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran
Diyar refaei , Ph.D candidate
Department of Persian Language and Literature,Hamedan branch Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Abstract

Political, social subjects and affairs related to people and society are one of the poets and writers' favorites in any period of time. This fact has encouraged them to present, in their poems and writings, models of their contemporary rulers' political and social situations.

Writers of this article have studied Mawlana Saifoddin Mohammad’s Farghani's (the mystic of seventh and eighth century) thought and social criticisms in one of the darkest periods of Iran history.Through dealing with devoted behaviors and convent dwelling, Saif Farghani tries to criticize the disturbed conditions of his own age which is the result of the Mangule’s invasion and his agents' bloodshed.

Seif dares to criticize, in his poem, various classes of society, from the government rulers and agents to businessmen. He also reproaches the judges, poets, and even businessmen's bold actions. Sometimes, he skillfully combines the sharp edge of the sword of criticism with counsel and advice.

Key words: Saif Farghani, mysticism, criticism, society, rulers, Mangule

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

CONTENTS

Saif Farghany and Social Criticism……..... ۷
Ghadamali sarrami,Ph.D/Diyar refaei , Ph.D candidate
Poststructuralism: A New Approach in Literary Theory and Criticism… ۸
Abbas Goudarzi
Resurrection and Tan-e-pasin in Zoroastrians ……..…...…...…... ۹
Maryam Shahbazi/ Viad Nadaf, Ph.D
A comparative study of the Little Prince and Islamic Mysticism ... ۱۰
Masoud Motamedi
Awakening in Religious Teachings and Persian Poems…….…… ۱۱
Zabih Motaharikhah, Ph.D
The Domination of Mystical Atmosphere on the Status of "Leili" in Persian Literature …… ۱۲
Mohammad Hasan Haeri, Ph.D/ Elham Rostaie Rad, MA
Interpretation of Ghodsi Hadith from Mystics' Points of View … ۱۳
Amir Hossein Hemati, Ph.D
Psychological analysis in «Adolphe», Benjamin Constant's Work…….. ۱۴
Maryam Houshiar,Ph.D/ Massoumeh Zandi, Ph.D

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

ADAB va ERFAN

Persian Language and Literature Quarterly

Hamedan Branch, Islamic Azad University

Vol.۳ No.۱۲

Autumn ۲۰۱۲

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

In the name of God

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]

راهنمای درخواست اشتراک فصل‌نامهٔ علمی پژوهشی ادب و عرفان

در تنظیم و ارسال فرم اشتراک خواهشمند به موارد زیر توجّه فرمائید.

1. فصل‌نامهٔ ادب و عرفان در حال حاضر به صورت 4 شماره در سال منتشر می‌شود.
2. بهای هر شماره فصل‌نامه‌ی ادب و عرفان 40000 ریال می‌باشد.
3. هزینه‌ی پستی در داخل کشور برعهدهٔ دفتر فصل نامه است ولی هزینه پستی به خارج از کشور بر عهدهٔ درخواست کننده می‌باشد که به بهای اشتراک اضافه می‌شود.
4. بهای اشتراک سالیانه را به شماره حساب 0106272358003 نزد بانک ملی به نام صندوق پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان واریز و رسید آن را به همراه فرم اشتراک زیر به پست الکترونیکی adab.erfan@iauh.ac.ir یا adab.erfan@gmail.com ارسال و یا به آدرس همدان : شهرک شهید مدنی، بلوار امام خمینی (ره) بلوار پروفسور موسیوند،مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد همـدان تلفن 14- 4994000 صندوق پستی : 734 کد پستی: 65138 ارسال نمائید.
5. در صورت تغییر آدرس لطفاً آدرس جدید خود را به دفتر فصل‌نامه اطلاع دهید.

فرم درخواست اشتراک

باارسال برگه‌ی بانکی به شماره ..... مورخ ..... به مبلغ ..... ریال متقاضی اشتراک فصل نامه ادب و عرفان از شماره ..... تا شماره ..... هستم.

خواهشمند است فصل‌نامهٔ درخواستی را به آدرس زیر بفرستید.

نام و نام خانوادگی متقاضی یا موسّسه‌ی متقاضی: .....

آدرس : .....

کد پستی : ..... صندوق پستی : .....

تلفن همراه و ثابت : .....

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-11-04]